

ملاحظات تاریخی درباره ماهیت بیماری‌های مُبطلِ نکاح در فقه

امامیه

علی تولائی^۱

چکیده

مسأله صحت ازدواج بیمار در حال بیماری و تعیین مهریه و میراث همسر او، یکی از مسایل اختلافی میان فقیهان مدینه و عراق در قرن دوم است که در روایت‌های منقول از امامان علیهم‌السلام بازتاب یافته و مستند فتوای فقهای امامیه قرار گرفته است. بر اساس آن، ازدواج در حال بیماری، اگر همراه با رابطه جنسی نباشد، آماره‌ی بر قصد بیمار به اضرار به وارثان بوده و سبب بطلان نکاح و عدم تعلق مهر و ارث به زوجه او خواهد شد. اگرچه در اصل بطلان نکاح در حالت مفروض، اختلافی نیست، تعیین ماهیت و نوع بیماری جای بحث دارد. کاربرد تعابیری چون: «عند الموت» و «مات فی مرضه» در نصوص دینی، فقها را به سمت استنباط ماهیتی سوق داده که آن را «مرض موت» نامیده و در تبیین ماهیت آن اختلاف کرده‌اند. برخی از فقیهان، مراد از بیماری را «بیماری مخوف» دانسته‌اند، مراد از آن، بیماری‌هایی است که از نظر پزشکی، قطعاً یا غالباً انتظار فوت بیمار می‌رود. حتی در متون فقهی، برخی از مصادیق این بیماری بر اساس طب قدیم تعیین شده است. در این مقاله با نگرشی تاریخی، اقوال مختلف و اشکال بیماری، تبیین شده است. در سایه نگاه تاریخی می‌توان این دیدگاه را تقویت کرد که مراد از بیماری مبطل نکاح، بیماری‌های لاعلاجی است که از نظر پزشکی در مدت زمانی کم، به فوت بیمار می‌انجامد.

واژگان کلیدی

بیماری؛ نکاح؛ فقه امامیه؛ موت؛ آمیزش جنسی

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد

ملاحظات تاریخی درباره ماهیت بیماری‌های مُبطلِ نکاح در فقه امامیه

طرح مسأله و پیشینه بحث

بیماری و شخص بیمار در فقه اسلامی، هم در مباحث عبادی و هم مباحث اجتماعی و کیفری دارای احکام و مقررات خاصی است. یکی از این مباحث مهم که در احوال شخصیه مطرح می‌شود، ازدواج بیمار در حال بیماری و آثار حقوقی آن مانند مهریه، میراث و عده همسر اوست.

مسأله یادشده یکی از مسائلی اختلافی بین فقیهان عراق و فقیهان مدینه در سده دو قمری بوده است. محمد بن حسن شیبانی، فقیه رأی گرای عراق و شاگرد ابوحنیفه در کتاب *الحجة علي أهل المدينة* (محمد بن حسن شیبانی، ۱۴۰۳ ش، ج ۳، ص ۴۹۵) بابتی را به ازدواج و طلاق بیمار، اختصاص داده است. در گزارش وی از دیدگاه ابوحنیفه آمده است که اگر مرد بیمار یا زن بیمار ازدواج کند و سپس فوت کند، نکاح جایز بوده و از یکدیگر ارث خواهند برد و مهر المسمی نیز به زن تعلق دارد. البته در دیدگاه وی اگر مهریه بیش از مهر المثل باشد و زوج در بیماری خود فوت کند، مازاد بر مهر المثل باطل است، اما ازدواج در هر حال جایز خواهد بود. (محمد بن حسن شیبانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۴۹۵) شافعی نیز همانند ابوحنیفه فتوا داده است. (نک: شافعی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۸)

در مقابل، فقیهان مدنی بر این عقیده‌اند که ازدواج مرد بیمار جایز نیست و اگر چنین کاری انجام داد و قبل از آمیزش جنسی معلوم شود، بین آن دو جدایی انداخته می‌شود و زن چیزی نمی‌برد، اما اگر بعد از آمیزش جنسی معلوم گردد، بین آن دو جدایی انداخته می‌شود، با این تفاوت که اگر زوج صحت یابد، صدق کامل را از او می‌گیرد و اگر در مرض خود فوت کرد، صدق زن از ثلث مال شوهر محاسبه شده و وصایا مقدم بر آن است و زن از او ارثی نخواهد برد. در

دیدگاه آن‌ها نکاح زن بیمار نیز چونان مرد بیمار جایز نبوده و اگر با این حال ازدواج کرد، نکاح آن‌ها فسخ شده و بین آن دو جدایی انداخته می‌شود. اگر مرد با زن عمل دخول انجام نداده باشد، زن مستحق دریافت چیزی نیست، اما اگر بعد از عمل دخول و فوت مرد در بیماریش معلوم گردد، زن از زوج ارث نمی‌برد، اما وارثان او مستحق دریافت صداق هستند. (محمد بن حسن شیبانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، صص ۴۹۷-۴۹۹؛ برای نظر مالک بن انس و فقیهان مدینه چون ابن شهاب زهری، ربيعة الراي و يحيى بن سعيد انصاري نك: ابن قاسم، ۱۳۲۳ ق، ج ۲، صص ۲۴۶-۲۴۷)

گفتنی است در گزارش ابن قاسم از دیدگاه مالک آمده است در صورتی که زن بهبود یابد، مالک ابتدا قایل به فسخ بوده و سپس از دیدگاه خود رجوع کرده و ازدواج مرد بیمار و زن بیمار را نافذ دانسته است. (ابن قاسم، ۱۳۲۳ ق، ج ۲، ص ۲۴۶) همچنین در گزارش منقول از ابن شهاب زهری، عبارت «از حیات او قطع امید شده است»^۱ آورده شده است که می‌تواند توضیحی از نوع بیماری باشد. محمد بن شیبانی، دیدگاه آن‌ها را شدیداً مورد نقد قرار می‌دهد و نظر فقیهان عراق را عدم تأثیر بیماری در صحت نکاح می‌داند. (محمد بن حسن شیبانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، صص ۵۰۰-۵۰۳) نظری که بعدها توسط فقهای ظاهری نیز ارائه شد. (ابن حزم، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۰، صص ۲۵، ۲۷)

در متون روایی امامیه نیز بابتی به نکاح و طلاق بیمار اختصاص داده شده است. (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، صص ۱۲۱-۱۲۳؛ طوسی، ۱۳۹۰ ش، ج ۳، ص ۱۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۱، ص ۴۴۳) بر اساس روایت منقول از زراره از امام باقر یا امام صادق (ع) که به روایت «حَسَن» متصف شده است، «بیمار نمی‌تواند طلاق دهد، اما می‌تواند ازدواج کند؛ پس اگر ازدواج کرد و دخول کرد، ازدواج جایز (و نافذ) است و اگر دخول نکرد تا این که در مرض خود فوت کرد، ازدواجش باطل

است و مهر و میراثی برای زن نخواهد بود». همچنین در روایت صحیح عبید فرزند زراره آمده است: «از ابو عبدالله (ع) (امام صادق) سؤال کردم آیا بیمار می‌تواند طلاق دهد؟ فرمود: خیر، اما می‌تواند در صورت تمایل ازدواج کند؛ پس اگر دخول کرد، زن از مرد ارث می‌برد و اگر دخول نکرد، ازدواج مرد باطل است.» (برای روایات نک: حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۲، صص ۱۴۹-۱۵۰)

در مقایسه بین نظر فقیهان مدنی در قرن دوم و مکتب اهل بیت علیهم السلام چند نکته قابل توجه است:

اولاً: به نظر فقیهان مدینه، ازدواج در هر حال منفسخ می‌شود، خواه آمیزش جنسی انجام بگیرد یا خیر، در حالی که فقیهان امامیه بر اساس این دو روایت و احادیث مشابه آن گفته‌اند: صحت ازدواج بیمار مشروط به آمیزش جنسی است و اگر وی در حال بیماری و قبل از آمیزش فوت کند، عقد باطل بوده و زن مستحق مهر و ارث نخواهد بود. (نک: طوسی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۶۰؛ همو، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۱۷؛ همو، ۱۳۷۸ ق، ج ۴، ص ۳۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۲۰۷ ق، ج ۲، ص ۵۴۸؛ محقق حلی، ۱۳۸۹ ش، ج ۴، ص ۸۳۵؛ همو، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۶۴؛ یحیی بن سعید حلی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۳۰؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۴ ش، ج ۳۹، ص ۲۲۰؛ خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۱)

مراد از وطی و آمیزش جنسی (دخول) نیز معنای متعارف آن است و ظاهراً بین دخول از جلو یا عقب فرقی نیست و صرف اختلاط زن با مرد و پرستاری از او که برخی معیار دانسته‌اند، دلیل و شاهی ندارد. (صاحب جواهر، ۱۳۹۴ ق، ج ۳۹، ص ۲۲۲)

ثانیاً: در فقه مدینه، تفاوتی میان مرد بیمار یا زن بیمار نیست، در حالی که در روایات امامیه تنها بیماری مرد و فوت او مورد سؤال است. به همین دلیل فقیهان امامیه در مورد ازدواج زن بیمار و فوت او و همچنین ازدواج مرد بیمار و فوت

همسر او در حال بیماری قبل از آمیزش جنسی اختلاف نظر دارند. (نک: علامه حلی، ۱۴۱۳ ق.، ج ۲، ص ۵۳۲؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق.، ج ۲، ص ۵۹۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۱۱، صص ۱۱۷-۱۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۳، ص ۱۹۷؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۴ ق.، ج ۳۹، ص ۲۲۲؛ طباطبائی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۲، ص ۳۶۶)، به گونه‌ای که برخی از فقیهان معاصر، حکم به احتیاط داده‌اند. (برای نمونه نک: خویی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۲، ص ۲۷۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۳، صص ۷۰-۷۱)

ثالثاً: در گزارش ابن شهاب زهری، ماهیت بیماری تعیین شده است؛ بر اساس این گزارش، مراد از بیماری، بیماری غیر قابل درمان است؛ به گونه‌ای که از نظر پزشکی، امیدی به زنده بودن بیمار نمی‌رود. ماهیت این بیماری در فقه امامیه، موضوع مقاله حاضر است که بدان پرداخته می‌شود.

اشکال بیماری

یکی از تصرفات حقوقی بیمار، اعمال حقوقی است که به طور قطعی در اموال خود انجام می‌دهد و نتیجه آن خروج مال و تقلیل دارایی وی است. این گونه از تصرفات را «مُنَجَزات مریض» (نک: محقق حلی، ۱۳۸۹ ق.، ج ۲، ص ۴۸۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق.، ج ۶، صص ۳۰۴-۳۰۵) می‌نامند. برخی از فقها در این بحث، از ماهیت و معنای بیماری سخن گفته‌اند. (نک: محقق کرکی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۱۱، ص ۹۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق.، ج ۶، صص ۳۱۳-۳۱۴) از آنجا که مسأله نکاح بیمار نیز همانند منجزات، از نظر ماهیت بیماری مشترک است، برای تبیین نظر فقهای امامیه درباره ماهیت بیماری، از این بحث استفاده خواهد شد.

در نصوص دینی، در مورد تصرفات بیمار از تعابیری چون: «عند الموت» (نک: حر عاملی، ج ۱۹، ص ۲۹۲)، «حضر أحدکم الموت» (بقره/ ۱۸۰؛ مائده/ ۱۰۶)، «حضرته الوفاة» (نک: حر عاملی، ۱۴۱۳ ق.، ج ۱۹، ص ۳۵۷) و «مات فی مرضه» (نک: همان، ج ۲،

ص ۵۰۵) استفاده شده است؛ از این رو، فقیهان امامیه به این نتیجه رسیده‌اند که هر نوع بیماری مورد نظر نیست. در ابواب مربوط به ازدواج بیمار نیز از تعابیر: «المریض»، «مات فی مرضه» و «یحضره الموت» (طوسی، ۱۳۹۰ ش، ج ۳، ص ۱۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۱، ص ۴۴۳) استفاده شده است.

در یک نگرش تاریخی، سه مبحث در باب نکاح بیمار قابل طرح است:

الف - اعتبار خوف در بیماری

شیخ طوسی در المبسوط (۱۳۷۸ ق، ج ۴، ص ۴۴) بیماری مانع تصرف را «مرض مخوف» دانسته است. این بیماری، بیماری است که قطعاً یا غالباً انتظار مرگ بیمار می‌رود، اما بیماری که چنین خصوصیتی ندارد، هرچند اتفاقاً موجب مرگ شود، مانع تصرف نخواهد بود. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۳۱۳)

در اقامه دلیل بر این نظریه می‌توان گفت: تعبیر موجود در برخی روایات‌ها مانند: «حضره الموت» (حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۹، ص ۲۷۶) و «عند موته» (نک: طوسی، ۱۳۶۷ ش، ج ۹، ص ۲۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۹، ص ۲۷۳) اشعار دارد که مراد از بیماری، نوع بیم‌انگیز آن است، زیرا مراد از حضور موت و یا ظهور موت، مرگ فعلی نیست، بلکه به معنای ظاهر شدن علایم مرگ است که نزدیک‌ترین معنای مجازی «عند موته» است. از سوی دیگر برای بیماری غیر بیم‌انگیز می‌توان به استصحاب تمسک کرد. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، صص ۳۱۳-۳۱۴)

محقق حلی، قید بیم‌انگیز بودن بیماری را معتبر ندانسته، بلکه مراد از موص موت را بیماری دانسته است که مرگ با آن اتفاق می‌افتد، چه بیم‌انگیز باشد یا خیر (محقق حلی، ۱۳۸۹ ق، ج ۲، ص ۲۶۱) این نظر از سوی فقیهانی چون علامه حلی (۱۴۱۳ ق، ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۵) و فخرالمحققین (۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۵۹۵) نیز

پذیرفته شده است و شهید ثانی آن را قول اقوی می‌داند. در دیدگاه او اخبار مذکور دلالتی بر اعتبار «خوف» در بیماری ندارد و می‌توان مراد از «حضور موت» را بیمار شدن دانست، همان‌گونه که گاه فوت با بیماری بیم‌انگیز نیز اتفاق نمی‌افتد. لازم به تذکر است، صحت استدلال یاد شده، مبتنی بر این است که لفظ مفرد محلائی به الف و لام (المريض) را مفید عموم بدانیم؛ هرچند می‌توان گفت این عبارت و عبارت‌های مشابه آن مانند: «إذا بلغ الماء كرا» (نک: طوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۷۴)، «خلق الله الماء طهورا» (نک: همان، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۷۳)، «مفتاح الصلاة التکبیر» (نک: همان، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۱۶) به ضمیمه قراین حالیه، دلالت بر عموم دارد، چراکه بر فرض فقدان چنین دلالتی، ذکر آن بی‌فایده خواهد بود، در حالی که بسیاری از فقیهان، ادعای اجماع بر عام بودن عبارت‌های مذکور در ابواب مربوط به آن دارند. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، صص ۳۱۴-۳۱۵)

گفتنی است، محقق حلی به ذکر مصادیق امراض بیم‌انگیز چون بیماری سل (tuberculosis) و بیماری‌های غیرخطرناک، از قبیل تب خفیف (low fever) پرداخته است. (محقق حلی، ۱۳۸۹ ق، ج ۲، ص ۴۸۸) البته مصادیق یادشده، بر اساس طب قدیم است و امروزه اسامی آن‌ها تغییر کرده و برخی از آن‌ها که در گذشته بیم‌انگیز بوده و به سختی درمان می‌شده است، امروزه به راحتی قابل درمان خواهد بود. علاوه بر این که عنوان «مرض مخوف» در روایات موجود نیست تا لازم باشد برای تعیین مفاد آن به عرف یا پزشک رجوع کرد. در چند روایت عنوان «مريض» بدون هیچ قیدی به کار رفته (نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۲۱) و در قرآن کریم و برخی روایات تعبیر: «حضر أحدکم الموت» (بقره/ ۱۸۰؛ مائده/ ۱۰۶) و نیز «عند الموت» (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، صص ۱۲۳، ۱۳۰، ۵۰۴) استعمال شده است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۳۸۰)

تعبیر فقیهان در کتب فقهی نیز با اختلاف همراه است. محقق حلی از عبارت «یتفق به الموت» (شرائع الإسلام، ۱۳۸۹ ق، ج ۲، ص ۴۸۹) استفاده کرده است و «باء» در عبارت او به معنای «سببیت» است؛ یعنی موت به سبب آن حاصل می‌گردد و لذا سایر اسباب چون قتل در حال بیماری را خارج می‌کند. در عبارت علامه حلی در *قواعد* (۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۵۲۹)، تعبیر «اتفق الموت معه» و در تذکره (بی تا، ص ۵۲۳)، «یتصل به الموت» به کار رفته که عام است و شامل تمامی اسباب می‌شود. شهید ثانی خود به تعمیم گرایش دارد و عبارت علامه حلی را ترجیح می‌دهد. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۳۱۵)

ب - کیفیت تأثیر بیماری بر فوت: آیا بیماری، سبب فوت است یا ظرف زمانی آن؟

در روایت منقول از زراره که مستند فقهی احکام ازدواج مرد بیمار قرار گرفته بود، تعبیر «مات فی مرضه» به کار رفته و بطلان عقد، مقید به موت مرد در حال بیماری شده است. بنابراین اگرچه موت در برخی از روایت‌ها، مقید به بیماری نشده است (نک: حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۲، صص ۱۴۹-۱۵۰)، اما علاوه بر این که متبادر از موت، مردن در اثر بیماری هنگام عقد است، جمع بین این دو دسته روایت ایجاب می‌کند که اطلاق موت با قید مذکور مقید گردد. با توجه به این تحلیل اگر مرد بیمار پس از بهبودی از بیماری هنگام عقد بر اثر بیماری دیگری فوت کند و یا به قتل برسد، هرچند قبل از بهبودی از مرض نخست خود فوت کرده باشد، بدون تردید عقد صحیح و لازم بوده و آثار عقد، از جمله ارث‌بردن زن از مرد، بر آن مترتب خواهد بود. این نظر از سوی سیدعلی طباطبایی (۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۶۶) و صاحب جواهر (۱۳۹۴ ق، ج ۳۹، ص ۲۲۲) ارائه شده است.

از سوی دیگر لفظ «فی» در عبارت: «مات فی مرضه» می‌تواند به معنای «سببیت» یا «زمانیت» باشد و خود موجب پیدایی اشکال است. در دیدگاه صاحب جواهر شمول اطلاق نصوص برای برخی از بیماری‌ها، چون بیماری‌های طولانی مدتی که بیمار چندین سال زنده مانده و با بیماری خود کنار می‌آید، به گونه‌ای که عمومات نصوص دینی با آن تخصیص یابد، اشکال دارد. (همانجا)

برخی از فقیهان معاصر تفاوتی میان فوت بیمار در اثر همان بیماری هنگام نکاح یا فوت او به سبب دیگری از قبیل قتل یا بیماری دیگری قائل نیستند. (نک: خوبی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۱) همچنین در نظر آن‌ها حکم عام بوده و بیماری‌های طولانی مدت را در بر می‌گیرد. (همانجا) برخی حکم مذکور را مختص به بیماری متصل به موت دانسته‌اند، به گونه‌ای که بیمار در معرض تلف شدن است؛ لذا تب خفیف یک روزه که بیمار بر خلاف معمول فوت می‌کند را شامل نمی‌شود. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۷۱) به نظر آن‌ها عموم حکم مذکور نسبت به بیماری‌های طولانی مدت، اشکال دارد؛ مگر در ازدواجی که در اواخر بیماری که نزدیک به فوت است، صورت گرفته باشد و در غیر آن احتیاط ترک نمی‌شود. (همانجا) علاوه بر آن در مسأله فوت بیمار بر اثر سبب دیگری غیر از بیماری هنگام ازدواج نیز به احتیاط گراییده‌اند. (همانجا)

در جمع‌بندی این آرا می‌توان گفت دو احتمال کلی در مورد ماهیت و نوع بیماری موجود است:

۱. بیماری که سبب و علت موت است؛ بنابراین «مرض موت» از باب اضافه سبب به مسبب است و به دو قسم «سبب فعلی» و «سبب شأنی» تقسیم می‌گردد. در برخی موارد، موت مستند به بیماری است و هیچ سبب و علت دیگری ندارد، به گونه‌ای که اگر این بیماری نبود، شخص فوت نمی‌کرد، اما در موارد دیگر موت،

سبب دیگری چون غرق شدن یا آتش گرفتن نیز دارد، هرچند شخص، بیمار نیز هست، به گونه‌ای که مجالی برای تأثیر بیماری وجود ندارد. به عنوان نمونه فردی مبتلا به بیماری سل از نوع مزمن است و بیماری او قابل درمان نیست، اما مرگ او یک سال به عقب می‌افتد و در اثنای آن خانه بر سر او ویران شده و فوت می‌کند. در این مثال بیماری، سبب شأنی فوت است و سبب فعلی آن خراب شدن خانه خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، صص ۳۷۷-۳۷۸)

۲. بیماری که در آن حالت فوت اتفاق می‌افتد^۲ و خود بیماری اصلاً تأثیری در فوت ندارد، مانند بیماری که قابل معالجه باشد و فعلاً شخص بیمار مشغول معالجه است، اما اتفاقاً بر اثر حادثه‌ای مانند پرت شدن از بلندی یا گزیدن مار سمی فوت می‌کند. بر اساس این تفسیر، مرض موت، مانند سال قحطی، از قبیل اضافه ظرف به مظلوف خود است. (همو، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۳۷۸)

ج - موارد ملحق به بیماری

گاه نشانه‌های موت موجود است، اما شخص اصلاً بیمار نیست. در کتاب‌های فقهی سه مثال برای آن آورده‌اند که عبارتند از: زایمان سخت، بودن در جبهه مقدم جنگ و کشتی مشرف به غرق شدن. (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۳۱۵) الحاق این موارد به مرض موت بر پایه وحدت ملاک و تنقیح مناط، مورد اختلاف است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، صص ۳۷۸-۳۷۹) و تعبیر «حضرتة الوفاة» در روایات چه بسا مثل این امور را در بر می‌گیرد. (همو، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۳۷۹)

نتیجه

ابطال نکاح بیمار، با وجود فراهم بودن تمامی شرایط صحت عقد به صرف این که عقد در حال بیماری منعقد شده و در صورت عدم آمیزش جنسی، اماره‌ای بر قصد اضرار به وارثان است، بر خلاف اصل بوده و نیازمند اثبات آن از طریق دلایل خاص چون نص و اجماع است. با توجه به زمینه تاریخی صدور روایات، به نظر می‌رسد هر نوع بیماری مورد نظر نیست، بلکه مراد، بیماری‌های صعب‌العلاج یا لاعلاجی است که امکان درمان نبوده و در مدت زمانی کوتاه منجر به فوت می‌گردد. در این حالت اگر پس از ازدواج، آمیزش جنسی صورت نگیرد، می‌تواند اماره عرفی و عقلایی بر قصد معیوب بیمار باشد و سبب ابطال عقد را فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «قد یئس له من الحياة».

۲. «المرض الذي يموت فيه»، «المرض الذي يحصل به الموت و ان لم يكن مخوفا».

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس حلی، محمد - (۱۲۰۷ ق.)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، تهران.
- ابن براج، عبدالعزیز - (۱۴۰۶ ق.)، *المهذب*، قم.
- ابن حزم، علی - (۱۴۱۸ ق.)، *المحلی*، بیروت.
- ابن قاسم، عبدالرحمان - (۱۳۲۳ ق.)، *الملونه الکبری*، قاهره.
- بجنوردی، حسن - (۱۴۱۹ ق.)، *القواعد الفقهیه*، به کوشش مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، قم.
- حر عاملی، محمد - (۱۴۱۳ ق.)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام.
- حسینی سیستانی، علی - (۱۴۱۶ ق.)، *منهاج الصالحین*، قم.
- خویی، ابوالقاسم - (۱۴۱۰ ق.)، *منهاج الصالحین*، قم.
- شافعی، محمد بن ادریس - (بی‌تا)، *الأم*، به کوشش محمد زهری نجاری، بیروت، دارالمعرفه.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۴ ق.)، *مسالك الأفهام الی تفتیح شرائع الإسلام*، قم.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن - (۱۳۹۴ ق.)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، به کوشش محمود قوچانی، تهران.
- طباطبایی، سیدعلی - (۱۴۰۴ ق.)، *ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل*، قم.
- طوسی، محمد - (۱۳۹۰ ق.)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، به کوشش حسن موسوی خراسانی، تهران.
- همو - (۱۳۶۷ ش.)، *تهذیب الأحکام فی شرح المقننه*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران.
- همو - (۱۴۱۵ ق.)، *الخلاص*، به کوشش علی خراسانی و دیگران، قم.
- همو - (۱۳۷۸ ش.)، *المبسوط*، به کوشش محمد تقی کشفی، تهران.
- همو - (۱۳۹۰ ق.)، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت.
- علامه حلی، حسن - (بی‌تا)، *تذکره الفقهاء (چاپ قدیم)*، قم.
- همو - (۱۴۱۳ ق.)، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم.
- فخر المحققین، محمد - (۱۳۸۷ ق.)، *ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد*، قم.
- فیض‌کاشانی، محمدحسن - (۱۴۰۶ ق.)، *الوافی*، به کوشش ضیاء‌الدین حسینی اصفهانی، اصفهان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران. محقق حلی، جعفر - (۱۳۸۹ ق.)، *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*، به کوشش عبدالحسین محمدعلی، نجف.

همو - (۱۴۱۰ ق.)، *المختصر النافع في فقه الإمامية*، تهران. محقق کرکی، علی - (۱۴۱۰ ق.)، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، قم. محمد بن حسن شیبانی - (۱۴۰۳ ق.)، *الحجة علي أهل المدينة*، به کوشش مهدی حسن گیلانی قادری، بیروت.

یحیی بن سعید حلی - (۱۴۱۲ ق.)، *الجامع للشرائع*، بیروت.

یادداشت شناسه‌ی مؤلف

علی تولائی: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد.

نشانی الکترونیکی: tavallaei@yazduni.ac.ir

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵